

فرآیند حکم‌شناسی در استنباط یا الگوریتم استنباط فقهی

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدباقر قدمی و رضا میهن‌دوست

از پژوهشگران و اساتید حوزه علمیه خراسان رضوی



به کوشش: حمید کرمی
hkarami@noornet.net

اشاره

مدتی است که در مجامع علمی، اصطلاح «الگوریتم» مطرح شده است. این اصطلاح، به معنای فرآیندسازی هر عملیاتی است. از آنجا که علم فقه دارای عملیات استنباط است، می‌توان گفت استنباط فقهی، دارای الگوریتم است. این الگوریتم استنباط فقهی را باید از علم اصول طلب نمود؛ چراکه رسالت علم اصول، فراهم‌سازی قواعد کلی استنباط فقهی و فرآیندسازی آنهاست. در واقع، الگوریتم به مثابه یک دستگاه استنباطی است که توسط علم اصول، مستدل و نظریه‌پردازی می‌شود و در اختیار فقیه قرار می‌گیرد. البته فقها در مباحث فقهی، نگاهی الگوریتمیک به استنباط حکم شرعی داشته‌اند؛ اما آن را به صورت شفاف بیان نکردند.

از این رو، الگوریتم پیشنهادی این دو پژوهشگر حوزوی، شفاف‌سازی الگوریتم ارتكازی فقها محسوب می‌شود. خروجی این الگوریتم، حکم شرعی و تعیین مرتبه آن است؛ یعنی الگوریتم استنباط باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا حکم، جعل شده است یا خیر، و اگر جعل شده است، آیا به مرتبه فعلیت رسیده است یا خیر، و اگر به مرتبه فعلیت رسیده، آیا به مرتبه تنجز هم رسیده است یا خیر. بنابراین، الگوریتم پیشنهادی بر اساس همین مراتب حکم، پی‌ریزی شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدباقر قدمی و رضا میهن‌دوست، در این گفت‌وگو با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی به بررسی عملکرد فقها پرداخته‌اند؛ تا بدین وسیله، الگوریتم استنباطی ایشان استخراج شود.

گفتنی است در نهمین نشست از سلسله نشست‌های علمی علوم اسلامی و انسانی دیجیتال با موضوع «فرآیند حکم‌شناسی در الگوریتم دانش اصول فقه» که به تاریخ ۱۹ آبان ۱۴۰۱ ش در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی برگزار گردید، این دو پژوهشگر و نویسنده عزیز به ارائه مطلب و

عدم شفافیت روش به کارگیری قواعد اصولی، باعث شده است که گسستی میان اصول و استنباط فقهی احساس شود. طراحی الگوریتم استنباط فقهی، می‌تواند باعث شفافیت مسیر استنباط گردد. علاوه بر اینکه یافتن این خلأها، ممکن است به نظرات جدید در علم اصول منجر شود.

از طرفی، الگوریتم بیان گام‌به‌گام مباحث است که موجب روشن شدن جایگاه هر بحث در ساختار کلان اصول می‌شود و ارتباط مباحث اصولی هم معلوم می‌شود. پس، این نوع تبیین مباحث اصولی، می‌تواند شناخت بهتری از مباحث اصولی را ایجاد نماید

معرفی کتاب یادشده پرداختند. در همین راستا، در این شماره از فصلنامه ره‌آورد نور به معرفی بیشتر موضوع و اهمیت کتاب مزبور مبادرت ورزیدیم.

در ابتدا خودتان را معرفی بفرمایید.

بنده رضا میهن‌دوست، دانش‌آموخته حوزه علمیه خراسان هستم و در حال حاضر، در سطح ۲ به تدریس اصول فقه اشتغال دارم؛ درس خارج فقه و اصول را در محضر استاد معظم، حجت‌الاسلام و المسلمین حمید درایتی به اتمام رساندم.

بنده نیز سید محمدباقر قدمی، دانش‌آموخته حوزه علمیه خراسان هستم و در حال حاضر، در سطح ۲ به تدریس اصول فقه اشتغال دارم. درس خارج فقه را در محضر استاد معظم، حجت‌الاسلام والمسلمین حمید درایتی، و درس خارج اصول فقه را در محضر استاد معظم، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن تبادکانی به اتمام رساندم.

بنده و صدیق ارجمند، حجت‌الاسلام میهن‌دوست در چند سال اخیر، پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، تمرکز بیشتری در فعالیت‌های پژوهشی تحت نظارت استاد درایتی، در مؤسسه پژوهشی دانشوران مشهد مقدس داشته‌ایم.

یکی از زمینه‌های مورد تأکید استاد معظم، مباحث روش‌شناسی استنباط است که تألیف کتاب حاضر نیز در همین راستا تعریف می‌شود.

معرفی کتاب

آقای میهن‌دوست، در باره عنوان کتاب مقداری توضیح دهید.

عنوان کتاب، از دو کلمه تشکیل شده است: دانش اصول فقه و الگوریتم. دانش اصول فقه، دانشی است که به قواعد و ضوابط استنباط فقهی می‌پردازد؛ اما الگوریتم، فرایند گام‌به‌گام هر عملیاتی از ابتدا تا انتهاست. از این‌رو، به نظر می‌رسد عملیات استنباط فقهی نیز دارای الگوریتم است؛ یعنی می‌توان استنباط فقهی را بر اساس فرایندی مشخص از نقطه آغاز تا پایان تحلیل کرد.

به گمان ما، در این کتاب، دانش اصول فقه، در سطح کتاب اصول فقه مرحوم مظفر فرایندسازی شده است. گفتنی است که مؤسسه دانشوران در صدد تدوین الگوریتم دانش اصول فقه در سطح متوسطه و پیشرفته است که بخشی از آن نیز انجام شده و در مراحل اولیه انتشار است.

البته مؤلفان در صدد تدوین الگوریتم دانش اصول فقه بر اساس کتاب «دروس فی علم الاصول - الحلقة الثانية» نیز هستند که بخش عمده آن انجام شده و در مراحل اولیه ارزیابی و انتشار است.

پیشینه

آقای قدمی بفرمایید چه شد که به سمت الگوریتم و تطبیق آن در دانش اصول فقه رفتید؟

نخستین اثری که در این زمینه مشاهده کردم، کتاب «الگوریتم اجتهاد» به قلم حجت‌الاسلام مصطفی جلالی بود و سپس آشنایی با دو اثر از دو استاد ارجمند در این زمینه، یعنی نوشته حجت‌الاسلام استاد درایتی با عنوان روش حل مسئله فقهی و نیز کتاب «الگوریتم اجتهاد» از حجت‌الاسلام استاد واسطی، انگیزه کار ما شد.

کتاب شما چه امتیازی نسبت به کارهای پیشین دارد؟

حقیقت، این است که در زمینه‌های علمی کار نشده است و آثار نخست، از ارزش بالایی برخوردار است و جرئت پرداختن به این موضوعات و انتشار آن، قابل تقدیر است. اما به گمان ما، کتاب «الگوریتم دانش اصول فقه»، تکمیل‌کننده کارهای پیشین بوده است؛ چراکه کتاب آقای جلالی، روند کلی استنباط را بررسی کرده است؛ اما به خرده‌فرآیندهای استنباط پرداخته است و همچنین، کتاب استاد درایتی و استاد واسطی، هرچند به برخی از خرده‌فرآیندها پرداخته، ولی تنها بر چند محور استنباط تمرکز داشته است.

انصاف، این است که همین کارهایی که ذکر کردم، انگیزه اصلی کار ما بوده و ما از این کتاب‌ها در ساختار اولیه الگوریتم پیشنهادی، استفاده کرده‌ایم.

چگونگی‌ها در اصول

آقای میهن‌دوست، بفرمایید نگاه الگوریتمی چه فواید و آثاری دارد؟
از یک منظر، می‌توان مباحث علم اصول را به سه گونه تقسیم کرد:

۱. مباحثی که به تعریف و ماهیت مبادی و قواعد اصولی می‌پردازد (چیستی)؛

۲. مباحثی که به استدلال برای اثبات قواعد اصولی می‌پردازد (چرایی)؛

۳. مباحثی که به روش به‌کارگیری این قواعد در فرایند استنباط نظر دارد (چگونگی).

در کتاب‌های اصولی، به دو گونه اول بسیار پرداخته شده است؛ اما گونه سوم، هرچند بخشی از آن، از لابه‌لای کلمات اصولیان قابل برداشت است، ولی به صورت شفاف و مستقیم بیان نشده است.

عدم شفافیت روش به‌کارگیری قواعد اصولی، باعث شده است که گسستی میان اصول و استنباط فقهی احساس شود. طراحی الگوریتم استنباط فقهی، می‌تواند باعث شفافیت مسیر استنباط گردد.



رویکرد دیگری که بسیار مهم و مورد توجه در فناوری اطلاعات واقع شده است، طراحی هستان نگار علوم و آنتولوژی‌ها است که البته رویکرد الگوریتمی در طراحی آنها مؤثر است. طراحی گراف و آنتولوژی‌ها، در هوش مصنوعی کاربرد اساسی دارند. به نظر می‌رسد که با توجه به فراگیری زیاد هوش مصنوعی، قبل از اینکه دیگران برای علوم اسلامی نسخه بیچند، دانشوران بومی حوزوی، خود به این مهم اقدام کنند.

علاوه بر اینکه یافتن این خلأها، ممکن است به نظرات جدید در علم اصول منجر شود. از طرفی، الگوریتم بیان گام‌به‌گام مباحث است که موجب روشن شدن جایگاه هر بحث در ساختار کلان اصول می‌شود و ارتباط مباحث اصولی هم معلوم می‌شود. پس، این نوع تبیین مباحث اصولی، می‌تواند شناخت بهتری از مباحث اصولی را ایجاد نماید.

از منظر دیگر، طلبه‌ها احساس می‌کنند که پس از سال‌ها صرف عمر، در فراگیری کتاب‌های متعدد اصولی و با صرف این مقدار از وقت و فراگیری اصطلاحات اصولی، قوه استنباط را کسب نکرده‌اند و هنوز به تکمیل و جمع‌بندی مباحث اصولی نیاز دارند. به نظر می‌رسد که نگاه الگوریتمی به دانش اصول، می‌تواند مباحث را به صورت منسجم و ناظر به جایگاه واقعی آنها تبیین کند و این خلأ را در استنباط فقهی جبران نماید.

چگونه این نگاه الگوریتمی را در دانش اصول ارائه کردید؟

به نظر ما، در علم اصول، دستگاه استنباط فقهی طراحی می‌گردد و فقیه با کمک آن، به بررسی ادله می‌پردازد و احکام را استخراج می‌نماید. در واقع، برای استنباط فقهی، سه عنصر اصلی وجود دارد:

۱. عنصر ورودی این دستگاه، مسئله فقهی و ادله است.
۲. عنصر خروجی آن، حکم شرعی است.
۳. عنصر سوم، عنصر پردازشگر (قواعد کلی) است که میان این دو، ارتباط ایجاد می‌کند و به تناسب ادله ورودی، خروجی مناسب ارائه می‌دهد.

از آنجا که هدف اصلی این دستگاه، حکم شرعی است، در الگوریتم پیشنهادی، مسیر رسیدن به حکم شرعی از دو زاویه عرضی و طولی تبیین شده است. در ناحیه عرضی، مسیر رسیدن به اجزاء جعل (موضوع، متعلق و حکم) بیان می‌شود. در ناحیه طولی، مسیر دستیابی به هریک از مراتب حکم (جعل، فعلیت و تنجز) فرایندسازی شده است؛ یعنی الگوریتم استنباط باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا حکم، جعل شده است یا خیر؟ و اگر جعل شده است، آیا به مرتبه فعلیت رسیده است یا خیر؟ و اگر به مرتبه فعلیت رسیده است، آیا به مرتبه تنجز هم رسیده است یا نه؟

چشم‌انداز

آقای قدمی، بفرمایید چه چشم‌اندازی را در این کار برای خود ترسیم نموده‌اید؟ در ابتدای سخن، مطرح شد که کتاب حاضر، الگوریتم دانش اصول فقه در دوره عمومی است و بخشی از دوره متوسطه و پیشرفته در حال انجام است و در صدد تکمیل آن هستیم.

از منظر دیگر، بخشی از الگوریتم استنباط فقهی، مرتبط به مباحث رجالی می‌شود. از این رو، کتابی با عنوان «فرایند اعتبارسنجی صدور حدیث» تدوین شده و در مراحل اولیه انتشار است.

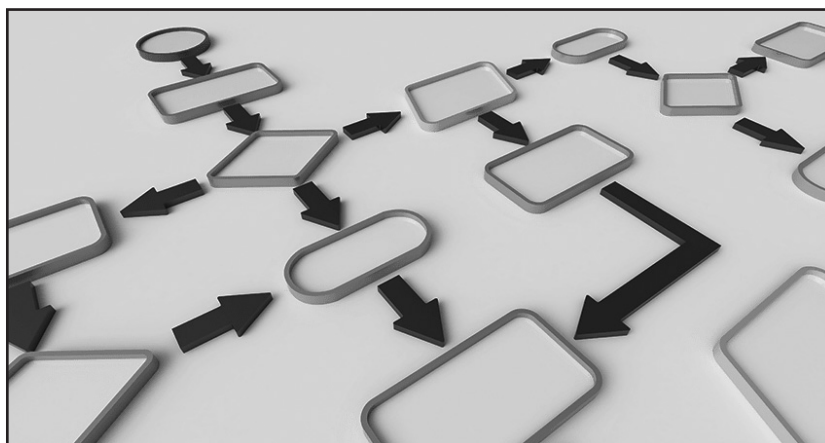
فعالیت سومی که در صدد انجام آن هستیم، الگوریتم دانش اصول بر اساس مبانی بزرگان اصولی دیگر، مانند محقق خراسانی و شهید صدر است.

طرح دیگری که بسیار ضروری به نظر می‌رسد، عملیاتی کردن الگوریتم دانش اصول و تطبیق آن در مسائل فقهی است؛ چراکه نظریات و تئوری‌ها، هنگام کاربری و عملیاتی کردن آن، ارزیابی می‌شوند؛ یعنی اگر نظریه‌ای اصولی در فقه، به خوبی اجرا و تطبیق شود، نشان از صحت و قوت آن است. از این رو، در نظر داریم که بخش‌هایی از مکاسب را بر اساس الگوریتم پیشنهادی، بازسازی کنیم که این کار می‌تواند به عنوان مکمل آموزشی کتاب مکاسب در سطح ۳ و ۲ اجرایی گردد.

در الگوریتمی که بر اساس کتاب حلقه ثانیه نگاشته شده و در مراحل اولیه انتشار است، طرح پیاده‌سازی و تطبیق کاربردی کاملاً انجام شده است.

پروژه پنجم که بخش‌های بسیاری از کارهای فکری آن انجام شده، ارائه الگوریتم پیشنهادی در قالب نرم‌افزار تعاملی است. این نرم‌افزار می‌تواند ابزار آموزشی مناسبی برای اساتید و دانش‌پژوهان عرصه استنباط باشد؛ چون در این نرم‌افزار، چک کردن بایسته‌های عملی و کاربردی استنباط، به صورت آیت‌هایی از کاربر درخواست می‌شود و غفلت کاربر را که جزء لاینفک کارهای انسانی است، به حداقل می‌رساند.

اما رویکرد دیگری که بسیار مهم و مورد توجه در فناوری اطلاعات واقع شده است، طراحی



هستان‌نگار علوم و آنتولوژی‌ها است که البته رویکرد الگوریتمی در طراحی آنها مؤثر است. طراحی گراف و آنتولوژی‌ها، در هوش مصنوعی کاربرد اساسی دارند. به نظر می‌رسد که با توجه به فراگیری زیاد هوش مصنوعی، قبل از اینکه دیگران برای علوم اسلامی نسخه بیچند، دانشوران بومی حوزوی، خود به این مهم اقدام کنند.

چالش‌ها

آیا در این کار با چالش‌هایی هم مواجه بوده‌اید؟

یکی از چالش‌های کار، این است که این نگاه، سابقه کمی دارد و طبیعتاً جدید بودن این نگرش، مقداری استنکاف برخی را در پی دارد. برخی نیز نسبت به این گونه کارها تأملات علمی دارند؛ به عنوان مثال، یکی از چالش‌های نگاه الگوریتمی در علم اصول فقه، شخصی بودن قطع و ظهور است؛ یعنی ممکن است برای شخص خاصی به جهت حالات نفسانی او مانند زودباوری و یا دیرباوری، قطع حاصل شود و برای دیگران این اتفاق نیفتد و این مسئله، تحت ضابطه قرار دادن حصول قطع را سخت می‌کند؛ چون عوامل بسیاری در آن نقش دارد که تحت ضابطه قرار نمی‌گیرند.

در مسئله استظهار نیز برخی از قالب‌های استظهاری نوعی و عقلایی در علم اصول تعریف شده است؛ مانند دلالت هیئت امر بر وجوب؛ اما بسیاری از موارد استظهار وجود دارد که تنها ضابطه آن، رسیدن به حد ظهور است؛ اما بیش از آن، ضابطه‌ای مطرح نشده است. بنابراین، از حالت نوعی، به شخصی تبدیل می‌شود و این نیز مانعی برای فرایندسازی آن است.

یکی از چالش‌های کار، این است که این نگاه، سابقه کمی دارد و طبیعتاً جدید بودن این نگرش، مقداری استنکاف برخی را در پی دارد. برخی نیز نسبت به این گونه کارها تأملات علمی دارند؛ به عنوان مثال، یکی از چالش‌های نگاه الگوریتمی در علم اصول فقه، شخصی بودن قطع و ظهور است؛ یعنی ممکن است برای شخص خاصی به جهت حالات نفسانی او مانند زودباوری و یا دیرباوری، قطع حاصل شود و برای دیگران این اتفاق نیفتد و این مسئله، تحت ضابطه قرار دادن حصول قطع را سخت می‌کند؛ چون عوامل بسیاری در آن نقش دارد که تحت ضابطه قرار نمی‌گیرند.

برای پاسخ به این چالش، ابتدا مقدمه‌ای ذکر می‌شود و آن، اینکه نگاه الگوریتمی، دارای سه رویکرد است:

۱. رویکرد انتسابی؛

۲. رویکرد فقیه یار؛

۳. رویکرد آموزشی.

– رویکرد انتسابی، به این معناست که به عنوان مثال، می‌توان الگوریتم استنباط فقهی آیت‌الله خوئی را با تمام جزئیات استخراج کرد و در مسائل مستحدثه آن را به کار بست و نتیجه را به ایشان منتسب نمود.

– رویکرد فقیه یار، به این معناست که بر فرض، نتوان نتیجه کاربست الگوریتم را انتساب داد؛ اما این الگوریتم می‌تواند در فرایند استنباط، غفلت‌زدا باشد؛ یعنی اگر فقیهی الگوریتم فکری خود را تهیه کند، کاربست این الگوریتم، باعث از بین رفتن بسیاری از خطاهای انسانی می‌شود.

– رویکرد آموزشی، به این معناست که بر فرض، نتیجه الگوریتم قابل استناد نباشد و به کمک فقیه نیز نیاید؛ اما می‌توان از این نگاه، در آموزش علم اصول بهره برد و آن را از حالت تئوریک به حالت عملیاتی ارتقا داد.

بعد از بیان این مقدمه، در پاسخ به چالش‌های مطرح‌شده، دو نکته قابل طرح است:

نکته اول آنکه این اشکالات، ناظر به رویکرد اول است، نه رویکرد دوم و سوم؛ درحالی‌که رویکردهای فقیه یار و آموزشی، بسیار قابل توجه هستند و کتاب حاضر، بر اساس رویکرد سوم نگاشته شده است.

در الگوریتم پیشنهادی، مسیر رسیدن به حکم شرعی، از دو زاویه عرضی و طولی تبیین شده است. در ناحیه عرضی، مسیر رسیدن به اجزاء جعل (موضوع، متعلق و حکم) بیان می‌شود. در ناحیه طولی، مسیر دستیابی به هر یک از مراتب حکم (جعل، فعلیت و تنجز) فرایندسازی شده است؛ یعنی الگوریتم استنباط باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا حکم، جعل شده است یا خیر؟ و اگر جعل شده است، آیا به مرتبه فعلیت رسیده است یا خیر؟ و اگر به مرتبه فعلیت رسیده است، آیا به مرتبه تنجز هم رسیده است یا نه؟

نکته دوم این است که ضوابطی برای استظهار و حصول عقلایی قطع بیان شده است و این، کاشف از امکان ضابطه‌مندسازی استظهار و حصول قطع است؛ اما در علم اصول موجود، این ضابطه‌مندسازی فعلاً به صورت حداقلی انجام شده است. از این رو، به نظر می‌رسد که این اشکال، ناظر به اصول فقه موجود است؛ ولی نگاه نظریه‌الگوریتم، به اصول فقه مطلوب است.

نگاه الگوریتمی به اصول فقه مطلوب، باب‌واسعی را برای تحقیقات و پژوهش‌های جدید پیش روی دانشوران علم اصول می‌گشاید؛ چراکه در این زمینه، کارهای به‌زمین‌مانده، بسیار است.

به عنوان مثال، در همین راستا در مؤسسه پژوهشی دانشوران، حجت‌الاسلام استاد ابراهیم نیکدل، تنها در بحث تخییر (دوران بین محذورین) که به نظر می‌رسد بحث مختصری در دانش اصول است، طی زمانی حدود دو سال، با نگاه الگوریتمی، ضوابط و قواعد بسیاری را که شفاف نبوده، شفاف‌سازی کرده، برخی ضوابط را نیز ابداع نمودند.

بعضی از اساتید نیز در خصوص به‌کار بردن لفظ «الگوریتم»، ابهام یا مناقشه دارند که به نظر می‌رسد در این زمینه، باید طرفین، به اصطلاح وضع‌شده از سوی متخصصان فن، پایبند باشند.

جایگاه روش‌شناسی استنباط

آقای میهن‌دوست، یکی از سؤالاتی که معمولاً در این زمینه مطرح می‌شود، این است که آیا روش‌شناسی استنباط، علمی مستقل از علم اصول است و یا اینکه علم اصول، متکفل روش‌شناسی استنباط نیز هست؟

برخی دانشوران، معتقدند روش‌شناسی استنباط فقهی، علمی مستقل است و ذیل دانش اصول فقه قرار نمی‌گیرد؛ اما به نظر می‌رسد که تبیین روش استنباط فقهی نیز وظیفه دانش اصول است؛ هرچند ممکن است این روش‌شناسی به صورت کامل، در اصول فقه موجود بیان نشده باشد؛ اما باید اصول فقه مطلوب، متکفل آن باشد.

شاهد اینکه اصول فقه، روش‌شناسی و فرایندسازی استنباط فقهی را بر عهده دارد (نه فقط صرف بیان عناصر مشترکه استنباط)، بیان مقداری از فرایندها در دانش اصول است.

شهید صدر در حلقه اولی، عبارتی دارند به این مضمون که «علم الأصول لا یحدد العناصر المشتركة فحسب بل یحدد أيضا درجات استعمالها والعلاقة بینها». این عبارت، اشاره دارد که وظیفه دانش اصول، فراتر از تعیین عناصر مشترکه است.

البته باید به این نکته نیز توجه کرد که برخی مباحث که به عنوان روش‌شناسی از آن یاد می‌شود، در واقع، روش‌شناسی نیست؛ بلکه پرداختن به تکنیک‌های تحقیق است که از محل بحث ما، خارج است.

در پایان، از اینکه فرصتی را در اختیار ما قرار دادید، تشکر می‌کنم.

از لطف و توجه شما و همه دست‌اندرکاران فصلنامه ره‌آورد نور کمال قدردانی را داریم. ان‌شاءالله، با این کار، گامی کوچک در راه جلب رضایت حضرت ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برداشته باشیم. ■